

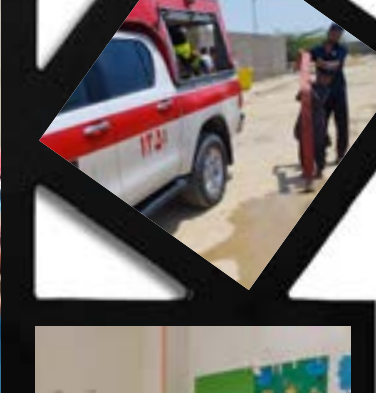
انگار خانواده خودمان هستند

● وقت استراحت نداشتیم حمیدی از کاربلدی و باتجربه بودن بچه ها می گوید و تعریف می کند؛ بلافاصله بعد از اینکه رسیدیم، کار سرکشی به کوچه ها و خانه ها را شروع کردیم. بعضی ها همه زندگی شان زیر آب رفته بود و این همه بحران اجازه نمی داد که بخوایم به خودمان استراحتی بدهیم. انگار که خانواده خودمان گرفتار آب شده اند و کلافه و سر درگم هستند. به جرئت می توانم بگویم بعضی بچه ها صبحانه و ناهار رایک جا می خوردند، پشت فرمان و در حال رانندگی. هفت هشت روزی بیشتر از آمدنمان نمی گذرد، اما انگار که یک عمر است کنار آن ها زندگی می کنیم و جزو خانواده شان هستیم، با نام کوچکیان صدایمان می کنند. او با هیجان می گوید که ۵۰ درصد از کار انجام شده است و نفس راحتی می کشد و ادامه می دهد؛ خدا را شکر مسیرها باز شده است و آب بیشتر خانه ها تخلیه و حال و روز مردم خیلی بهتر از روز اول است.

حمیدی خاطرنشان می کند که مردم سیستان و بلوچستان هم مثل دیگر مردم ایران خون گرم، مهربان و دوست داشتنی هستند. او ماجرایی چندروز قبل را به خاطر می آورد؛ پسر جوانی ترک یک موتور، نفس نفس زنان خودش را به ما رساند و بطری آب خنکی به دستان داد و گفت ببخشید همه دارایی و توان ما برای شما همین است و بعد هم گفت مسافتی طولانی را راه آمده تا به ما رسیده است. شاید باورتان نشود ولی حرف های آن جوان زیرگرمای ۴۰ درجه سیستان و بلوچستان هزار بار بیشتر از آب خنک به ما چسبید.

محمد مهدی حمیدی، تحصیل رشته مهندسی عمران واز نیروهای کمک رسان شهرداری مشهد است؛ که به شهرستان کنارک اعزام شده است؛ تجربه کارهای جهادی زیاد دارد و جزو نماینده های جهادگر و فعال استان است. به قول خودش فرصت زیادی لازم است تا از همه فعالیت هایش تعریف کند. می گوید: تا دلتان بخواد تجربه این طور سفرها را داشته ام؛ از امداد رسانی در سیل آق فلا گرفته تا سیل دشتیاری سیستان و بلوچستان و کمک رسانی در جریان همه گیری کرونا.

او تعریف می کند: بعد از ما جرای سیل و وقتی وزیر کشور برای حضور نیروهای متخصص در سیستان و بلوچستان اعلام نیاز کرد، برویجه های شهرداری مشهد در حوزه های مختلف اعلام آمادگی کردند؛ از نیروهای سازمان آتش نشانی، پسماند و عمران شهرداری گرفته تا خدمات شهری. تجهیزات لازم شامل خودروهای سبک و سنگین امداد و نجات و انواع پمپ، تانکر و لوازم مورد نیاز را هم برداشتیم و راهی کنارک شدیم. در سه محور عملیاتی مشغول امداد رسانی هستیم؛ تیم عملیاتی مستقر در شهر، تیم حاضر در روستا ها که عملیات تخلیه آب و خاک ریزی کوچه ها را عهده دارند و تیمی که ما بین شهر و روستا در ترددند. امداد رسانیان مشهدی وقتی رسیدند که خانه ها غرق آب بودند و در عین حال خورشید بی امن می تابید و طاقت آدم راطاق می کرد، اما چاره ای نبود. خاک کوچه ها نشست کرده بود و آن ها باید هر روز از معدن خاک بارگیری و چاله ها را پر می کردند.



مشهد در کنار کنارک

پای صحبت برخی از نیروهای شهرداری مشهد که برای کمک رسانی به سیل زدگان کنارک راهی سیستان و بلوچستان شده اند

کمک رسانی تانیمه شب

در شرایط خاص و بحرانی وضع فرق می کند و کمک دیگران را می طلبند. خوشحالم که تیم اعزامی از مشهد هم بخشی از نیروهای امداد رسان بودند.

با آن حجم بالای آب در جاده ها و کوچه ها فکرش را نمی کردند که این زودی ها جمع و جور شود. او می گوید که جاده ها زیر آب رفته و مسدود شده بودند و خانه ها بدتر از آن ها. جاده را با خاک های تازه که هر روز از معدن می آوریم، هموار کردیم و آب خانه ها را هم با پمپ تخلیه. شاید این حرف ها که می زنم اغراق باشد و باورتان نشود ساعت ۴ بامداد رنگ بیداریاش ما را می زدند و بعد از نماز کارمان را شروع می کنیم و تانیمه های شب مشغولیم؛ تا ساعت ۱۱، ۱۲ و گاهی اوقات هم تایک نیمه شب. ما هم آدمیزادیم و حرف درستی نیست اگر بگویم خسته نمی شویم، ولی به همین خدا که بزرگ و کوچک قبولش داریم، هر وقت لیخند حتی کم رنگ و کوچک و بی رمقی بر لبی می بینیم که نتیجه کار ما نبوده است. شکر نعمتش را به جا می آوریم و حالا هم این نوید را بدیم که بخش بیشتر کار انجام شده است.

آدم های روستا و همچنین شهرستان کنارک روزهای سخت را تقریباً پشت سر گذاشته اند، اما هنوز تانکرها برای رساندن آب شرب به اهالی در رفت و آمدند. با اینکه بحران مهار شده است، مردم همچنان در وضعیت خاصی اند.

جواد منصوری، فرماننده ایستگاه ۲۹ آتش نشانی مشهد، هم همراه گروه اعزامی است؛ با اینکه سال ها تجربه کار در عملیات های مختلف را داشته، حضور در این شرایط بحرانی برایش جور دیگری است. به قول خودش آدم است دیگر، دلش از زخم برداشتن کوچک دستی هم می گیرد، چه برسد به اینکه بینی خانه خاکی و فرسوده بیرزنی را تانیمه آب گرفته است و بوی گندیده آب حتی نمی گذارد بچه ها کارشان را درست انجام دهند.

منصوری این طور روایت می کند: البته شکل زندگی اهالی سیستان و بلوچستان کمی با دیگر شهرها متفاوت است. اینجا افراد به شکل قبیله ای زندگی می کنند؛ برای مثال از اول تا آخر یک کوچه اعضای یک خانواده و کنار هم هستند و یاری رسان و کمک کننده به هم، اما

اعزام گروهی ۳۰ نفره

● قدرانی از تیم مشهدی بخشدار کنارک نام محمد مهدی حمیدی (به عنوان جهادگری مشهدی) از زبانش نمی افتد. هنوز تمام و کمال نمی داند که چه پستی و حرفه ای در شهرداری مشهد دارد، اما می داند این چند روزی که برای کمک رسانی به کنارک رفته اند، خواب به چشم های او و اعضای گروهش نیامده است. عبدالسلام مهدی پور مدام از کسانی که آمده اند تا خانه و کاشانه آن هایی را که زیر آب و گل رفته است، نجات دهند، شکر می کند و می گوید: ارزش زندگی آدم ها به همین نشان دادن مرام و معرفت و انسانیت در حق همدیگر است و این ویژگی ها زندگی را شیرین می کند و این طور می توانند سختی های آن را تاب بیاورند.

او یک بار دیگر تأکید می کند که نیروهای کمک رسان شهرداری مشهد بار سنگینی را از دوش مردم سیستان و بلوچستان برداشتند و می گوید: از روزی که به کنارک رسیدیم، خدمتشان را شروع کرده اند. صبح هنوز آفتاب نرزه، بیدارند و تا خود شب کاری کنند. انگار نه انگار که خسته می شوند. عبدالسلام صحبتش را با مکتی کوتاه، این طور خلاصه می کند: جبران این همه محبت در توان ما نیست. خدا خودش در بهترین شکل اجر و مزدشان را حساب کند!

مدیران شهری مشهد مثل خیلی های دیگر برای کمک رسانی به سیل زدگان سیستان و بلوچستان به دکانو افتادند؛ تجهیزات و ماشین آلات لازم را فراهم کردند؛ از لودر و کمپرسی گرفته تا تجهیزات دیگر. برای مهار بحران باید زود دست به کار می شدند. یک تیم سی نفره از گروه های امداد و نجات سازمان آتش نشانی و برویجه های خدمات شهری و دیگر نیروهای شهری آماده شدند تا شاید بتوانند کاری برای مردمان این استان انجام دهند. سیل مسیرهای ارتباطی شهر و روستاها را بسته بود و بازشایی آن ها همت زیادی می طلبید.

همه نیروهای داوطلب و اعزامی به سیستان و بلوچستان شرایط کنارک را می دانستند؛ گرما و رطوبت هوا، آن هم در شرایط بحرانی تحمل ناپذیر بود، اما ذره ای به این چیزها فکر نکردند و آستین ها را بالا زدند تا اول جان و بعد هم سرمایه هم و طنان خود را جانتان دهند.

نیروهای امدادی مشهد وقتی رسیدند، به چشم خود دیدند که سرتاسر روستاهای سیل زده با دریا و آب مجاورند، اما بی آبی به همه جا رخنه کرده است و مردم کنار دریای به این بزرگی، حال و روز خوبی ندارند و به دنبال آب شرب اند. سیل به همه خانه ها سرک کشیده بود؛ یک تیم سی نفره از مشهد آستین ها را بالا زدند و کمک رسانی را شروع کردند.

خسته راه اند و شهر غرق آب است. از زمان اعلام اعزام نیروهای کمکی به استان سیستان و بلوچستان تا وقت رسیدن به شهر کنارک، زمان زیادی نگذشته است. نیروهای امدادی شهرداری مشهد تازه از راه رسیده اند و بعد از چند روز بارش مداوم باران می دانند وقت تنگ و حساس است و باید تمام توانشان را به کار گیرند و آستین ها را بالا بزنند.

فقط به اندازه ای که لبی تر کنند، وقت هست. مدیران استان سیستان، میزبانی را با چای شروع می کنند. هر چند گرمای کمی است، برای رفع خستگی، چای حساسی می چسبید. سیل علاوه بر کنارک روستاهای اطراف را هم بی نصیب نگذاشته است؛ روستاهای پرم تپ و پرم چان.

گزارش روز

در نبود امکانات

صید می کنند، اما زندگی ساکنانش خالی از خیلی امکانات است. حالا ما بشنوید روایت دیگری از این شهر را؛ سال که هوس نوشدن کرد و بهار که آمد، باران هایش اگرچه دردی از بی آبی سیستان دوانکرد، برخی شهرهای این استان را با چالش تازه ای مواجه کرد. بارش های مکرر و پشت سرهم، سرریز شدن آب در خانه و کوچه و خیابان ها را به دنبال داشت و این طور شد که سیل آمد.

سیل که آمد، عکس ها و فیلم های مردمانی که خانه هایشان غرق آب شده بود، اما به دنبال تانکرهای آب می دیدند، بهتر شدن حال کارگران، پاسخ بگیرد. نگاه و سروصدای زیادی برپا کرد و خیلی ها را به این فکر انداخت که این مصیبت ها از کجا پشت سرهم به سرشان می آید؟ از تغییرات اقلیمی یا سوء مدیریت؟ هیچ کس نمی توانست از کنار غمی که در نگاه مردمان سیستان جا در قبال جامعه کارگران، تضمین امنیت همه جا را فرا گرفته بود، اما مردم تشنه بودند.

عبدالسلام مهدی پور، بخشدار مرکزی کنارک، وقتی دارد برایمان از ظرفیت های گردشگری این شهرستان و شیلانی که توان صادر کردن ماهی به شهرهای دیگر را دارد، تعریف می کند، به مسئله همسایگی این شهرستان و روستاهای سیل زده اش یاد و دریای عمان و خلیج فارس هم اشاره و بعد ترش تأکید می کند که کمتر شهری این ظرفیت ها را دارد. با شنیدن این حرف ها به این فکر می کنیم که برخی از شهرها، شهر شداد هستند؛ شبیه شهرهای ساحلی سیستان که کمتر زیر ساخت های گردشگری را به خود دیده اند، اما تماشایی و زیبا هستند، با مردمانی خون گرم و مهربان، هر چند محروم و کم بضاعت.

این روزها دوپارگی کنارک در آب وهوا و آسمان و زمینش بیشتر به چشم می آید. برخی از تضادها، ویژگی های این شهر و روستاهایش را بیشتر به چشم می آورد و آن را منحصربه فرد می کند؛ شهری که مردمانش کنار دریا زندگی می کنند، تور به آب می زنند و ماهی پشت ماهی

خسته شده ایم، اما تسلیم نه

امام رضا^(ع) هستیم و آقا به رثوف بودن و مهربانی اش معروف است. خسته شده ایم، اما تسلیم نه و خدا کند هم آقا تلاشمان را قبول کند و هم مردمان این شهر.

خانه های خلاصه شده در فضاهای چندمتری و در آب و هوای دم کرده ۴۰ تا درجه شهر کنارک و روستاهای اطرافش و نیز بحرانی که با کمک های آن ها مهار شد، هیچ وقت از پیش چشم نیروهای اعزامی از شهرداری مشهد دور نمی شود.

احمد اسدپور راننده لودر است و با هفت هشت نفر دیگری که همراهش هستند، روزی هشتاد تا نود کامیون بار خاک از معدن به شهر و روستا می آورد. درگرمای هوا دلشان لک می زند برای نشستن زیر سایه ای خنک و سرد، اما خانه و کاشانه ویران و چشم های معصومانه و بغض های درگلو مانده اهالی که پیش چشمشان می آید، توانشان برای ادامه کار مضاعف می شود. احمد آقا می گوید که ما نماینده مردمان مشهد و شهر

حال خوش کارگر، برنامه خوب دولت رami طلبد

اجرای شدن سیاست ها را شتابی آبرومند بخشد. توجه به کار و کارگر است که تولید راشتاپ می دهد. کارگر اگر اجرایی و اگر فردای خود را در امروز بازنشستگان و پیشکسوتان، روشن ببیند، باطمینان خاطر و همه وجود خواهد کوشید. اما اگر فردا را در غبار ببیند، دغدغه ها در جاننش زلزله برپا خواهد کرد. چنین که شود، نخواهد توانست همه توجه و وجود را به کار بدهد. کارگر را باید بی دغدغه در میدان داشت تا کار رونق بگیرد.

فعل «دانست» به هر حال این نوع ترک فعل ها چند سویه حرف می زند و چند سویه ضرر می رساند. در تعبیر حرف ها قصد نیت خوانی کلی تأمین اجتماعی آن می شود بی توجهی سیاست های ابلاغی و همچنین دستور رئیس جمهور. این بی توجهی ها هم در زیر مجموعه هایی است که اگر رصد شود، درکوانه ترین مدت به آن می توان رسید و احوال کسانی را پرسید که با انجام ندادن کار، حال جامعه را ناخوش کرده اند. رصدی چنین و بر خوردی قانونی می تواند

ایشان مسئله بیمه ها را هم برای جامعه کارگری مهم خواندند و با انتقاد از اجرانشدن سیاست های کلی تأمین اجتماعی، گفتند: «این سیاست ها، مدت ها پیش ابلاغ شد و رئیس جمهور هم دستور تهیه آیین نامه را داد، اما در عمل، کارها جلو نرفته و سیاست ها اجرا نشده است.» حال آنکه باید کارها جلو می رفت و سیاست ها اجرا می شد. آیین «اجرانشدن» را نمی شود مصداق «ترک



و افزودند: «کارگری که با قناعت و نجات مشغول کار است، باید به آینده شغلی خود اطمینان داشته باشد.» ادامه این آینده هم در زمان بازنشستگی است. کارگر شاغل وقتی فردای خود را در امروز بازنشستگان می بیند چه خواهد کرد؟ آیا برای امروز و فردایش به اطمینان می رسد؟ عمل کردن مسئولان به وعده در حوزه وزارت کار، به این پرسش جواب واقعی می دهد. رهبر معظم انقلاب هم به دنبال تحقق عینی برنامه ها هستند.

حضرت آیت ...ا. خامنه ای به استناد آمار، جامعه کارگری و خانواده های محترم آن ها را حدود نصف جمعیت کشور اعلام کردند. این تأکیدی است که باید با آمار در باره آمار، جواب آماری می خواهد. این یک «باید» است که دولت مردان باید به شایستگی با کار بیشتر برای آن جواب روشن بیاورند. ایشان در تبیین وظایف قوا و دستگاه ها در قبال جامعه کارگران، تضمین امنیت شغلی را از مهم ترین مسائل دانستند

حال خوب است که احوال خوب را برای جامعه رقم می زند. تلاشگران خوش احوال اند که به بد احوالی اجازه شکل گرفتن نمی دهند. این یک سخن راهبردی است که «اگر حال جامعه کارگری خوب شود، حداقل نیمی از مردم حالشان خوب می شود و این بسیار مهم است.» نکته طریقی که رهبر فرزانه انقلاب بدان تصریح می کنند تا همگان را به ضرورت نگاه برنامه مند و سازنده برای ارتقای سطح زندگی جامعه کارگری توجه دهند.

یادداشت